

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

ادامه مسئله چهارم

در مسئله چهارم روشن شد که نفقه زائده بر نفقه حضر، بر عهده ولی است و ادله اش را ذکر کردیم. در ادامه مسئله مرحوم امام می فرماید: «إلا إذا كان حفظه موقوفاً علي السفر به»<sup>[1]</sup>؛ مگر این که حفظ این صبی متوقف باشد بر رفتن این سفر باشد، یا در عروه این اضافه را دارد: «أو يكون السفر مصلحة له»<sup>[2]</sup>؛ اگر سفر برای او مصلحت باشد.

بنابراین، در عروه هر دو صورت را آورده: 1) «إذا كان حفظه موقوفاً علي السفر به»، 2) «أو يكون السفر مصلحة له»، که ظاهراً این است که دو عنوان و ملاک است، یکی آن که حفظ این صبی متوقف بر این است که او را به سفر ببرند و اگر نبرند محفوظ نمی ماند، اما عنوان دوم این است که سفر برای او مصلحت دارد.

شاید این که مرحوم امام اضافه دوم را نیاورد، بدین خاطر است که معنای روشنی ندارد؛ زیرا به همان معنای اول برمی گردد؛ یعنی این دومی همان است که حفظ صبی متوقف بر سفر است. حال اگر بخواهیم دومی را این گونه معنا کرده و بگوئیم که این سفر، جزء مصالح دنیوی این صبی باشد و گر نه مصلحت اخروی، در جلسه گذشته نیز بیان شد که مصالح اخروی را نمی شود با مال صبی انجام داد، اگر بگوئیم این سفر مصلحت دنیوی برای صبی دارد، می توان از مال او خرج کرد، لیکن بهتر همین است که این اضافه نباشد و به همان عبارتی که در تحریر آمده اکتفا شود. آن مقداری که احجاج نیاز دارد مثل خرید دو لباس احرام، باید از مال ولی داده شود.

مسئله پنجم: قربانی بر عهده ولی است

مرحوم امام در مسئله پنجم می فرماید: «الهدي علي الولي و كذا كفارة الصيد و كذا سائر الكفارات علي الاحوط»<sup>[3]</sup>، در بعضی از نسخ تحریر (چون تحریر در خود نجف دو بار چاپ شد و بعد هم چاپ سومی در ایران شد)، در چاپ اول نجف فرموده: «علي الاقوي» و بعد در چاپ های دیگر «علي الاحوط» آمده است.

ایشان سه مطلب را در این مسئله مطرح می کنند: 1) پیرامون قربانی است، 2) درباره كفارة صيد است، 3) درباره سایر كفارات است غیر از كفارة صيد. اما مطلب اول این احجاج قربانی دارد، مرحوم امام می فرماید پول قربانی به عهده ولی است. این مسئله که قربانی بر عهده ولی است، تقریباً مورد اتفاق فقهاست و صاحب جواهر (قدس سره) باز در اینجا می فرماید: «بلا خلاف اجد»، اما با قطع نظر از اجماع باید دید که آیا در اینجا ادله دیگری نیز وجود دارد یا خیر؟

دلیل دوم (پس از اجماع)، صحیح زرارہ است. تعبیری که در صحیح زرارہ آمده این است: «يُذْبِحُ عَنِ الصِّغَارِ وَ يَصُومُ الْكِبَارُ»<sup>[4]</sup>، بسیاری از فقها به همین «يُذْبِحُ عَنِ الصِّغَارِ» تمسک کرده و می‌گویند که از جانب صغار باید ذبح شود، این ظهور در این دارد که ولی باید از مال خودش ذبح کند. بنابراین، صحیح زرارہ ظهور در این دارد که این اصل ذبح و هدی بر عهده ولی است و از پول او باید داده شود.

#### اشکال مرحوم حکیم بر استدلال به صحیح زرارہ

مرحوم حکیم این استدلال را رد کرده و می‌فرماید استدلال به این روایت باید با توجه به آن سؤالی باشد که در روایت آمده است. سائل به امام (علیه السلام) عرض می‌کند: «لیس لهم ما یذبحون» که از این عبارت، استفاده می‌شود که اگر صبی خودش تمکن داشته و پولی دارد، خودش انجام دهد. حال که صبی تمکن از ذبح ندارد، چه باید بکند؟ امام (علیه السلام) در جواب می‌فرماید: «يُذْبِحُ عَنِ الصِّغَارِ»، شما پول بدهید.

در نتیجه روایت دلالت بر این دارد که اگر صبی تمکن از ذبح داشته باشد، باید خودش بدهد و این را نفی نمی‌کند. خلاصه اشکال مرحوم حکیم آن که روایت می‌گوید ولی ذبح کند در فرضی که صبی پول و تمکن از ذبح ندارد، پس منافات ندارد در جایی که صبی خودش پول دارد، این هدی بر عهده خود صبی باشد.<sup>[5]</sup>

#### اشکال والد معظم (قدس سره) به مرحوم حکیم

مرحوم والد ما استدلال حکیم را مورد مناقشه قرار دادند و می‌فرمایند این بیان ایشان، مبتنی است بر این که این ضمیر در «لهم» به صغار برگردد. لیکن احتمال دارد که مرجع ضمیر به کبار فقط برگردد. به بیان دیگر، ایشان می‌فرمایند مرحوم حکیم ضمیر را یا به صغار فقط برگرداند و یا به صغار و کبار هر دو، که در این صورت، بیان مرحوم حکیم درست می‌شود، اما به نظر ما ظاهر روایت این است که این ضمیر به خصوص کبار برمی‌گردد و «لیس لهم»؛ یعنی برای این کبار، می‌گوئیم به چه دلیل؟ می‌گویند به قرینه این که: «و إن لم یحسن أن یلبّي لبّوا عنه»، این «لبّوا عنه» به کبار برمی‌گردد؛ یعنی این کباری که در حج چیزی ندارند که ذبح کنند.<sup>[6]</sup>

بنابراین، گوسفندانی که هم برای صغار و هم برای کبار ذبح کنند ندارند، در نتیجه ایشان با این جوابی که از مرحوم حکیم می‌دهند، می‌فرماید استدلال به روایت در اینکه این هدی به عهده ولی است کافی می‌باشد.

خلاصه آن که مرحوم والد ما به مرحوم حکیم می‌فرماید شما که می‌گوئید به این روایت نمی‌شود استدلال کرد و آن بیان را دارید، در صورتی است که یا ضمیر «لهم» را به خصوص صغار بزنید؛ یعنی کبار بر خود قربانی آورده‌اند، اما بچه‌ها قربانی ندارند یا به اعم از صغار و کبار برگردد، در این صورت استدلال مرحوم حکیم درست می‌شود، ولی به نظر ما «لهم» به خصوص کبار برمی‌گردد؛ یعنی این کبار «لیس لهم ما یذبحون».

عبارت ایشان چنین است: «الظاهر ابتناء کلامه علی کون مرجع الضمیر فی قول السائل: «هم» الحجاج صغارهم و کبارهم علی ما عرفت من کون المفروض فی الروایة التعدد بالإضافة إلی کلّیهما»؛ ایشان می‌گویند قبلاً نیز ما بیان کردیم که مفروض روایت این است که هم اولیاء متعدد هستند و هم صغار، «فإنّه حیث یستظهر منه أنّه مع تمکن الصبی لابدّ وأن یتحقّق الذبح من ماله»؛ کلام مرحوم حکیم یا باید مبتنی باشد بر این که ضمیر به خصوص صغار برگردد، اگر گفتیم «لیس لهم» یعنی «لصغار ما یذبحون»، امام (علیه السلام) می‌فرماید اگر صغار ندارند، کبار گوسفندان را برای صغار ذبح کنند و خودشان روزه بگیرند.

این روایت را در گذشته نیز خواندیم و گفتیم که نسخه‌های این روایت، مختلف است، در بعضی از نسخ کافی و تهذیب، «لَبَّيْ» دارد یعنی خود ولی لبَّی، و تنها در فقیه، «لَبَّوْا» دارد. انصاف این است که این عبارت: «لیس لهم» اصلاً نه به کبار تنها برمی‌گردد و نه به کبار و صغار با هم، بلکه فقط به صغار برمی‌گردد، «لیس لهم ما یذبحون»؛ یعنی صغار را برای حج همراه خودشان آوردند، ولی چیزی که ذبح کنند برای اینها نیاوردند.

مرحوم والد ما، «لَبَّوْا» را گرفتند و به قرینه «لَبَّوْا» می‌گویند مراد از «لهم»، تنها کبار است؛ یعنی این کبار چیزی که ذبح کنند برای بچه‌ها ندارند. ظاهر استدلال مرحوم حکیم آن است که «لیس لهم» را به خصوص صغار زدند هر چند ایشان در عبارت خود چیزی نیاورده است. سائل می‌گوید این صغار قربانی که برای خودشان باشد و ذبح کنند را ندارند، مفهومی این است که اگر قربانی برای خودشان باشد و بتوانند ذبح کنند، باید از مال خودشان ذبح کنند. آن گاه امام (علیه السلام) در پاسخ می‌فرماید آنچه را که اولیاء برای خودشان آوردند، از جانب صغار ذبح کنند، خودشان روزه بگیرند.

به نظر ما، حق با مرحوم حکیم است؛ یعنی ظاهر روایت «لیس لهم»؛ یعنی برای این صغار، لیکن اشکال به مرحوم حکیم این است که به چه دلیلی می‌گوید «لام» در «لیس لهم»، لام ملکیت است؟! اگر لام ملکیت باشد، «لیس لهم ما یذبحون» یعنی صغار الآن مالک چیزی که ذبح کنند نیستند و باید اولیاء يك قربانی برای اینها قرار بدهند و خودشان روزه بگیرند، اما این «لیس لهم» با این هم سازگاری دارد که اولیاء قربانی را برای اینها نیاوردند.

بنابراین، به نظر می‌رسد این ظهور، از ظهوری که مرحوم حکیم فرمود، بهتر باشد، «لیس لهم ما یذبحون»؛ یعنی کبار آمدند، اما برای صغار چیزی نیاوردند، و عبارت: «یذبح عن الصغار» قرینه بسیار خوبی است که قربانی، بر ولی است.

## و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] «مسألة 4: النفقة الزائدة على نفقة الحضر على الولي لا من مال الصبي إلا إذا كان حفظه موقوفاً على السفر به، فمئونة أصل السفر حينئذ على الطفل لا مئونة الحج به لو كانت زائدة.» تحرير الوسيلة؛ ج 1، ص: 372.

[2] «مسألة النفقة الزائدة على نفقة الحضر على الولي لا من مال الصبي إلا إذا كان حفظه موقوفاً على السفر به أو يكون السفر مصلحة له.» العروة الوثقى (للسيد اليزدي)؛ ج 2، ص: 423

[3] تحرير الوسيلة، ج 1، ص: 372، مسئله 5.

[4] «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا (عليهما السلام) قَالَ: إِذَا حَجَّ الرَّجُلُ بِإِنِّهِ وَهُوَ صَغِيرٌ فَإِنَّهُ يَأْمُرُهُ أَنْ يَلْبِيَّ وَيَفْرَضَ الْحَجَّ فَإِنْ لَمْ يُحْسِنْ أَنْ يَلْبِيَّ لَبَّيْ عَنْهُ وَ يُطَافُ بِهِ وَ يُصَلَّى عَنْهُ قُلْتُ لَيْسَ لَهُمْ مَا يَذْبَحُونَ قَالَ يُذْبَحُ عَنِ الصَّغَارِ وَ يَصُومُ الْكِبَارُ وَ يُتَّقَى عَلَيْهِمْ مَا يُتَّقَى عَلَى الْمُحْرِمِ مِنَ النَّيِّابِ وَ الطَّيِّبِ فَإِنْ قَتَلَ صَيْدًا فَعَلَى أَبِيهِ.» الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج 4، ص: 303، ح 1.

[5] مستمسك العروة الوثقى، ج 10، ص: 25.

[6] «قال في «المستمسك» في مقام الاشكال على الاستدلال بالرواية: و اما صحيح زرارة فالأمر فيه بالذبح عنهم انما كان بعد

قول السائل: ليس لهم ما يذبحون فلا يدل على الحكم في صورة تمكن الطفل منه بل لعله ظاهر في الذبح من مال الصبي مع التمكن منه بل لا يبعد ظهوره في ذلك من جهة التقرير. أقول: الظاهر ابتناء كلامه على كون مرجع الضمير في قول السائل: «هم» الحجاج صغارهم و كبارهم على ما عرفت من كون المفروض في الرواية التعدد بالإضافة إلى كليهما فإنه - ح - يستظهر منه انه مع تمكن الصبي لا بد و ان يتحقق الذبح من ماله مع ان الظاهر ان مرجع الضمير خصوص الكبار بقريته قوله - ع - قبله و ان لم

يحسن ان يلبي لبوا عنه و عليه فمراد السائل عدم تمكن الحجاج الكبار من الذبح للجميع الكبار و الصغار فالحكم بلزوم الذبح عن الصغار ظاهر- ح- في الثبوت على الولي كما هو واضح.» تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة - الحج؛ ج1، ص: 52 و 53.